

آیین و منظر

شکل‌گیری منظر شهری آیینی در مناسبت‌های اجتماعی



جلال محدثی
کارشناس ارشد معماری منظر
jalal.mohaddesi@gmail.com

آدمی در طول دوره حیات خویش، با مفهوم زمان به بهانه‌های مختلف مواجه است. مناسبت‌ها^۱ به مفهوم نقاط شاخص یک دوره زمانی، در ذهن انسان، جایگاه خاصی داشته و یادآور واقعه یا رویداد مهمی است. در این میان ابزارها و واسطه‌های مختلفی، زمینه‌ساز برقراری ارتباط انسان با زمان می‌شود. محیط زیست آدمی، به‌عنوان ظرف عام زندگی انسان، در برگیرنده همه مظاهر و شئون و لحظه‌های زندگی اوست. محیط طبیعی، با زمینه‌های نهادی خود (روز، ماه، فصل، سال، رویدادهای کیهانی و ...) با زمان، هم‌دوش می‌شود و محیط مصنوع نیز، به واسطه حضور انسان، برهمکنش میان نیروهای طبیعت، انسان و عناصر بی‌روح با زمان، نسبت پیدا می‌کند. به این صورت، منظر شهر به مناسبت ایام، هویتی خاص خود می‌یابد و «منظر شهری مناسبتی»، معنا پیدا می‌کند. در این مقاله، به بهانه حضور رویدادها و مناسبت‌ها در زندگی آدمی، جایگاه زمان در تعامل انسان با محیط بررسی می‌شود. ابتدا آن دسته از مناسبت‌های فضای عمومی که جامعه را به سوی خود جلب کرده و در منظر شهر، متبلور می‌شود، برشمرده، سپس این مناسبت‌ها، به عنوان ظرفیت‌های موجود و یا ایجاد ظرفیت‌های مطلوب؛ در راستای سوق محیط به سوی یک فضای عمومی مؤثر در فرهنگ شهر معرفی و بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: مناسبت‌ها، انسان، فضای عمومی، منظر شهری مناسبتی.

منظر مناسبتی، عینی یا ذهنی

بین جلوه بیرونی و مبنای فکری عکس‌العمل ایرانیان به مناسبت‌ها، یک پیوستگی وجود دارد. این پیوستگی بین عین و ذهن، که ریشه در تاریخ باستانی ایرانیان دارد، با مروری بر مبانی و سابقه جشن‌های این سرزمین، قابل پیگیری است. اما آنچه در فرهنگ معاصر می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد، نگاه دینی به این موضوع است.

با مرور منابع اسلامی، می‌توان دریافت که نظر دین، در خصوص مناسبت‌ها، اولویت ذهنیت بر عینیت است. به عبارتی هدف توجه‌کردن به یک مناسبت، تلاش برای تربیت روح و تزکیه نفس است. حتی تا

اینجا نیز پیش‌رفته که چنانچه، انقلابی درونی و یا موفقیتی در رشد و کسب کمالات در دایره ذهنی، بر انسان عارض شود، می‌توان آن را به‌عنوان یک مناسبت تلقی کرده و نسبت به بزرگداشت آن، اقدام نمود.^۲ در همین راستا، اعلام حال درونی، در قالب تشکیل اجتماعات و برگزاری مراسم، از جمله توجهات دین به مسئله فضای جمعی و به تبع آن هویت جمعی است. چراغانی‌های گذرها و معابر و تزیین کردن عناصر شاخص شهری در اعیاد و جشن‌ها (ملی و مذهبی)، همچنین سیاهپوشی بناها، حسینیه و اماکن مقدس، در ایام سوگواری و عزا (ملی و دینی)، از نمونه‌های تظاهر بیرونی فرح و حزن، در رفتار اجتماعی مسلمانان است؛ که غالباً به‌صورت برنامه‌ریزی نشده، خودجوش و مردمی صورت می‌گیرد.

رابطه انسان و مناسبت‌ها

مظاهر این رابطه را می‌توان در سه سطح جستجو نمود که از نزدیک‌ترین حلقه‌های محیطی به انسان (خود) تا دورترین آنها (کیهان) در بر می‌گیرد که مورد سوم مشخصاً موضوع مطلب پیش رو است.

۱ انسان و خویشتن

نفس انسانی، به‌واسطه حیات شخصی و تجربه‌های فردی، نقاطی را در تقویم زندگی خود، پررنگ کرده و بخشی از مختصات زمانی خود را بر مبنای مقیاس‌های این ایام، برپا نموده است. تولد (به‌عنوان ابتدایی‌ترین مبنای هویت زمانی شخصی)، ازدواج، فراغت از خدمت سربازی یا اخذ مدرک تحصیلی، ... و مرگ؛ از جمله مواردی است که در زندگی تک‌تک افراد جامعه، بار معنایی منحصر به «فرد» دارد. این رابطه فردی، خود می‌تواند تا جایی پیش برود که در محیط اجتماعی پیرامون، تأثیرگذار بوده و یا تبدیل به شاخصی مناسبتی در تاریخ بشریت شود.

۲ انسان و محیط طبیعی

انسان با طبیعت و مصادیق زمانی آن، به‌واسطه تغییرات مشهودی که در ظواهر آن بروز می‌کند، رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار می‌کند. از آغازی‌ترین لحظه‌های شروع یک روز (طلوع خورشید) تا طولانی‌ترین تقویم‌های زیستی طبیعت (دوره‌های زمین‌شناسی)، حضور زمان در قالب تغییراتی که در طبیعت بروز می‌کند، مبنایی برای رفتار آدمی به وجود می‌آورد (تصویر ۱).

۳ انسان و محیط مصنوع

دو رابطه پیشین به‌طور ضمنی در خصوص رابطه‌ای که انسان با محیط مصنوع برقرار می‌کند، حضور دارد. محیط زیست شکل‌گرفته به‌دست انسان، محصول تعامل خویشتن او (در طی دوره‌های رشد علمی و شخصیتی) و حضور در عرصه طبیعت است. با این همه، ویژگی‌هایی که محیط مصنوع، به لحاظ در اختیار بودنش و امکان دخل و تصرف ارادی، در اختیار ما قرار می‌دهد، از امتیازات آن به حساب می‌آید. محیط مصنوع، در قالب فضاهای مثبت و منفی شهری و یا عناصر و احجام معماری، در کنار جزءفضاها و مبلمان شهری، این امکان را می‌دهد تا در مجموعه منظر شهری ظرفیت‌هایی برای ایجاد حس به‌وجود آید. مبنای

عناصر شهری ماندگار و یا تقویت موارد موجود، و پررنگ کردن نقش آنها در ایام و مناسبت‌ها، پیوند ذهن و عین را در قالب حضور دائمی یک کالبد فیزیکی، ماندگار کنند.

در شهرهای کوچک که تعدد بناهای شاخص، کم‌تر است، معمولاً اصلی‌ترین عمارت شهر، موضوع رویدادهای مناسبتی می‌شود. در مناسبت‌های دولتی و رسمی، ارگ، عمارت شهرداری، ... و در مناسبت‌های مذهبی مسجد جامع، تکیه اعظم و...، نامزدهای محل برگزاری مراسم است.

● اجزاء و میلمان شهری

اجزاء شهری که به‌طور روزمره در پیوند با زندگی مردم و در معرض مواجهه و تماس با آنها است، نقش بسزایی در شکل‌دادن منظر شهری در مقیاس فردی بر عهده دارد. تفاوت این مورد با دو مورد پیشین، در استمرار تأثیر آنها در طول زمان و به تعداد نفراتی است که با آنها مواجه می‌شوند. البته در رتبه‌بندی شدت تأثیر انواع مختلف میلمان، در مناسبت‌ها، میزان حضور آنها و نقش مستقیم یا غیر مستقیم‌شان در ارتباط با مناسبت، مبنا قرار می‌گیرد؛ تابلوهای شهری، بیلبردها و پلاکاردها و هرگونه میلمان شهری که نقش مستقیم در اطلاع‌رسانی مناسبت‌ها و ایام دارند، در اولویت این رتبه‌بندی قرار می‌گیرد. رتبه بعدی، مربوط به مواردی است که با واسطه و با بهره‌گیری از نمادهای نشانه‌ها، پیام را انتقال می‌دهد. از جمله این موارد می‌توان به پرچم‌های شهری، به‌عنوان رسانه‌های جمعی شهرداری‌ها، اشاره کرد. پرچم‌ها که در گره‌ها یا کریدورهای بصری شهر، فضای عمومی را با جلوه‌های بصری متفاوت خود، تحت تأثیر قرار می‌دهد، یکی از نمونه‌های میلمان شهری است که در مقیاس مخاطبی انبوه، اما با بهره‌گیری از زبان نشانه، با مناسبت‌ها پیوند برقرار می‌کند.

به‌وجود آمدن زمینه‌های محیطی در هنرها (Urban Art) نیز برخاسته از همین قابلیت‌ها است. از این مظاهر عینی می‌توان در ایجاد و القای یک فضای مؤثر عمومی در فرهنگ شهر بهره گرفت. ظرفیت‌های موجود در منظر شهری را می‌توان، در قالب موارد زیر تبیین نمود :

● فضاهای شهری

یک فضای شهری، می‌تواند به‌واسطه بهره‌مندی از امکانات فیزیکی و خدمات عمومی، تسهیل‌کننده امر حضور مردم به بهانه برگزاری یک مراسم مناسبتی بوده و به همین بهانه، به این مناسبت، پیوند بخورد. عمده فضاهای شهری که هم‌اکنون به‌عنوان سمبل‌های مناسبتی مورد توجه مردم قرار دارد، در ابتدا صرفاً بر اساس ویژگی‌های عملکردی و جوابگویی به نیازها، خلق شده است. حضور عناصر شهری خاص، مجسمه‌های یادمانی و یا حتی نام یک فضای شهری می‌تواند، بهانه‌ای برای پیوند میان فضای شهری با مناسبتی خاص شود. حضور مردم در یک فضای شهری، فرصتی برای ایجاد حس مشترک، به مناسبتی خاص است. در سنت فرهنگی ایران، بازار، به‌عنوان قلب تپنده شهر و مهم‌ترین فضای جمعی، به‌واسطه تمرکز فعالیت‌ها و عملکردها، همواره در متن ایام و مناسبت‌های شهری قرار داشته و اعلان‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها، همه در بستر این فضای شهری صورت می‌گرفت (تصویر ۲).

● عناصر شهری

بناهای شاخص با کاربری‌های تخصصی یا مرتبط با موضوع مناسبت، به‌عنوان نشانه‌های شهری، همواره مد نظر قرار دارند. در همین راستا، نمادهای مرتبط با مناسبت و ذهنیت عمومی، انگیزه‌های کافی را برای معماران، طراحان و البته مدیران، ایجاد می‌نماید تا با به‌وجود آوردن



ایجاد ظرفیت‌های جدید

در راستای مباحث فوق، می‌توان از ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در فضاهای شهری وجود دارد، استفاده نمود. ابزارهای جدید در پردازش جلوه‌های بصری (آبنماهای موزیکال، آتشبازی‌ها، برج‌های نوری و ...) در کنار عناصر جدید و مدرن شهری، فرصت‌هایی را برای روزآمد کردن سنت‌های رایج در منظر شهری مناسبتی به‌وجود می‌آورند (تصویر ۳). ضمناً، رفتارهای جدید اجتماعی و مکان‌های متناظر با آنها، خلأهای موجود فرهنگی در شهرها است که تاکنون با برآوردهای غیر برنامه‌ریزی شده و به‌صورت دست دوم، در مناسبت‌ها از آنها استفاده می‌شود. ساختمان‌های شاخص دولتی و عمومی، سالن‌های اجتماعات چندمنظوره، یادمان‌های دفاع مقدس که در دوران پس از جنگ ساخته شده است، سالن‌های ورزشی و استادیوم‌ها، پارک‌ها و تفرجگاه‌های درون و بیرون شهری و ... از جمله مواردی است که کمابیش با توجه به ظرفیت‌های کالبدی، حسی یا ... به فراخور ایام، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

طول عمر سیمای مناسبتی

در برخورد‌های مناسبتی، به‌ویژه در مواردی که ظرفیت بالقوه‌ای، فرصتی را برای بروز اتفاق در منظر شهری فراهم می‌آورد، عناصری به‌وجود می‌آید که به لحاظ توقعی که از پایایی آنها می‌رود، قابل دسته‌بندی به دو گروه زیر است:

● **عناصر ماندگار**: عناصری که به‌منظور یادمان رویدادی خلق می‌شود و در همین راستا، با مواد و مصالح ماندگار و طرح‌های شایسته شکل می‌گیرد. از یادبودهای استقلال سرزمین‌ها (مجسمه آزادی) تا پیروزی در جنگ‌ها (تاق نصرت‌های روم باستان) و از یادمان‌های جنگ‌ها و شخصیت‌ها تا مقابر و بقاع مذهبی؛ همه در سررسیدهای مناسبتی که به منظور بزرگداشت وقایع مرتبط، برپا می‌شود، مورد مراجعه جامعه قرار می‌گیرد.

● عناصر موقت:

در شرایطی که توان مالی در حد خلق اثری ماندگار نیست؛ محیط، ظرفیت پذیرش عملکرد دایمی یا عنصر کالبدی ماندگاری را ندارد و یا اینکه اساساً، مناسبت و رویدادها



۳: جشن‌های نیمه شعبان، که به‌صورت سنتی در شهر برگزار می‌شدند، با حضور عناصر جدید شهری، ظرفیت‌های جدیدی را برای جلوه در منظر شهری، یافته‌اند، تهران. مأخذ: www.ggpht.com

و رفتارهای متناظر با آن، با رویکردی کوتاه‌مدت، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ موضوع خلق عناصر موقتی که پس از گذشت بهانه و موضوعیت ایجادشان، برچیده می‌شوند، منجر به خلق عناصر موقت می‌شود. از نمایشگاه‌های اکسپو در جهان و غرفه‌های آن که به‌صورت موقت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا هنرهای مردمی (مدل‌سازی و چراغانی و تاق نصرت) در اعیاد مذهبی، در این زمره قرار دارد. در این میان، قاعده حضور موقتی برخی از این عناصر، بر هم می‌خورد و یک عنصر برچیدنی، به عنصری برجای ماندنی تبدیل می‌شود. علت این امر را می‌توان در قوت هنری اثر خلق شده، پشتوانه مهندسی یا کیفیت بالای مصالح به‌کار رفته در امر ساخت، پیوند عمیق آن با فضای عمومی جامعه و قوت مناسبت مرتبط و عدم تأمین خلأ بصری و یا کالبدی متناظر با آن در منظر شهری دانست. نمونه این برخورد را می‌توان در برج ایفل یافت که به بهانه نمایشگاه اکسپوی فرانسه و ب موقت ساخته شد ولی عنصری ماندگار و تبدیل به نماد شهر پاریس شد.

وابستگی مکانی اجزای شهری

همان‌طور که اشاره شد، مبلمان یا اجزای شهری، در موقعیت مکانی خود با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند؛ اما مواردی هم وجود دارد که مبلمان شهری، به لحاظ موقعیت، وابسته به مکانی خاص نیست. در مناسبت‌هایی که برخوردهای اجتماعی پویا و متحرکی را در پی دارند و رفتارهای مناسبتی که ماهیتاً متحرک هستند (از قبیل انواع کارناوال‌ها، تشییع جنازه و حمل تابوت و...)، عنصر شهری مناسبتی، متحرک و فارغ از مکان است. همچنین هنگامی که گروه‌های بهره‌بردار، در مقاطع زمانی و مکانی مختلفی به مبلمان مربوطه نیاز پیدا می‌کنند، حضور عنصر شهری متحرک، در برآورده کردن نیاز شهری کارایی بیشتری را دارا است (تصویر ۴).

مردم و منظر مناسبتی

نباید نقش مردم در مناسبت‌ها را در ایجاد یک منظر شهری عمومی، نادیده گرفت. مردم، در قالب فردی، جزء عناصری هستند که بر محیط اطراف خود تأثیر گذارند. در عین حال وقتی در قالب جمع، حضور پیدا می‌کنند، توده‌ای غالب را شکل می‌دهند که فضای حسی مشترکی را هم بین خود و هم برای بینندگان به‌وجود می‌آورند (به عنوان مثال: تفت).

۲: میدان آزادی، فضای شهری است که به واسطه پیوند برج یادمانی آن، با تاریخ انقلاب و مراسم سالگرد پیروزی پیوند خورده است. مأخذ: www.khabaronline.ir

جمع‌بندی

موضوع مناسبت‌ها در تاریخ فرهنگی ایران، پا به پای قدمت شهرهای آن، در پیوند با منظر شهری، پیش آمده است و در حقیقت، آنچه مایه ماندگاری مناسبت‌ها و مراسم شده است، مظاهر عینی بوده که تبلور ذهنیت‌های مرتبط شده است.

پیوند میان این عناصر و آرایه‌ها با مفاهیم مرتبطشان در قالب وحدت معنا و ماده در فرهنگ سنتی ایران، برجای بود. ابزارها و نیازهای جدید، با خود، رفتارها و اقتضائات جدید را به همراه آورده است و این در حالی است که سرعت تغییر و دگرگونی مایه‌ها و مفاهیم فرهنگی و رفتارهای متناظر آنها، به قدری است که کالبد شهری، نمی‌تواند پا به پای آنها پیش آید؛ لذا خالاً همراهی منظر شهری با ایام احساس می‌شود. مهندسی و مدیریت فرهنگی در این مقطع، می‌تواند با حضوری سنجیده به منظر شهری معاصر روحی دوباره و در واقع پویایی مبتنی بر نیاز جامعه عطا کند.

یک فضای شهری، می‌تواند به‌واسطه بهره‌مندی از امکانات فیزیکی و خدمات عمومی، تسهیل‌کننده امر حضور مردم به بهانه برگزاری یک مراسم مناسبتی بوده و به همین بهانه، به این مناسبت، پیوند بخورد. حضور عناصر شهری خاص، مجسمه‌های یادمانی و یا حتی نام یک فضای شهری نیز می‌تواند، بهانه‌ای برای پیوند میان فضای شهری با مناسبتی خاص شود. حضور مردم در یک فضای شهری، فرصتی برای ایجاد حس مشترک به مناسبتی خاص است.

فارغ از پتانسیل‌های محیطی، صرف حضور مردم بر اساس وحدتی که میان آنها به‌وجود آمده، منجر به شکل‌گیری منظر شهری می‌شود. این وحدت می‌تواند ناشی از یک هدف مشترک باشد (مثل راهپیمایی‌ها) که در کنار آن، وحدت گفتاری، رفتاری و ظاهری هم مؤید و مکمل آن می‌شود.

پی‌نوشت

- دهخدا؛ مناسبت: هم شکل‌شدن و مانستن، موافقت، پیوستگی، علاقه، ارتباط و مشابهت.
- کل بوم لا یعضی الله فیه، فهو عید. امام علی (ع).

منبع

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶) لغت‌نامه. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.



۴: دسته‌های عزاداری مردم سیاهپوش به دور درخت کهنسال، از مؤثرترین چهره‌های شهر در ایام سوگواری محرم است.
عکس: علی عاشوری

